نگاه

فصل جدید پاتوق فیلم کوتاه در خانه هنرمندان افتتاح می‌شود

افتتاحیه و جلسه اول فصل دهم پاتوق فیلم کوتاه سه‌شنبه هفتم مرداد در سالن استاد ناصری خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. در اولین جلسه از فصل دهم پاتوق که توسط انجمن سینمای جوانان ایران برگزار می‌شود، چهار فیلم کوتاه ایرانی «کانتور» ساخته محمدرضا مقیم‌نژاد، «شیفت» ساخته سمانه یدالهی، «برقص» ساخته پوریا دهقان و «نگران من نباش» ساخته امین خجسته و همچنین فیلم کوتاه «از دیدن چهره‌ات خوشحالم» (سان نامکونگ از کره جنوبی) روی پرده می‌رود. پس از نمایش این آثار، نشست نقد و بررسی با حضور «مازیار فکری‌ارشاد» برگزار خواهد شد. از این پس برنامه‌های پاتوق علاوه بر نمایش و نقد فیلم و حضور میهمانان ویژه، شامل معرفی کتاب‌های سینمایی به منظور گسترش مطالعات و شناخت عمیق‌تر سینما نیز خواهد بود. علاقه‌مندان توجه داشته باشند که پس از آغاز برنامه در تهران، پاتوق فیلم کوتاه با فاصله زمانی در شهرهای دیگر نیز در سالن‌هایی که توسط دفاتر انجمن سینمای جوانان اعلام خواهد شد، برگزار می‌شود.

«کانتور»: کارگردان: محمدرضا مقیم‌نژاد، زمان: شش دقیقه، بازیگران: اکبر رستمی، شجاع هاشمی و...، خلاصه فیلم: حافظه‌هایی که بدن دارند. یادهایی که در اسارت‌اند و مکان‌هایی که این‌گونه در زمان، در نوسانند... .

«شیفت»: کارگردان: سمانه یدالهی، زمان: ۱۹ دقیقه، بازیگران: کیوان محمدی، شبنم دادخواه و...، خلاصه داستان: کریم می‌خواهد یکی از شیفت‌هایش را عوض کند تا... .

«برقص»: کارگردان: پوریا دهقان، زمان: هشت دقیقه، بازیگران: مهدی رکنی، فاطمه سوفی و...، خلاصه داستان: افسر اسرائیلی وارد خانه‌ای می‌شود که ارواح آن خانه منتظرش هستند... .

«نگران من نباش»: کارگردان: امین خجسته، زمان: ۱۵ دقیقه، بازیگران: فاطمه معتمدآریا، ندا جبرئیلی و...، خلاصه داستان: آبان در حالی به خانه بازمی‌گردد که مادرش حال روحی مناسبی ندارد... .

«از دیدن چهره‌ات خوشحالم»: کارگردان: سان نامکونگ (کره جنوبی)، زمان: ۱۳ دقیقه، بازیگران: ادن یو و هاو وون کیم، خلاصه داستان: ادن در حال رانندگی در جاده است که ماشینش به دلیل خرابی موتور متوقف می‌شود و... .

هنرجویان و فعالان سینمای کوتاه و عموم مخاطبان برای پیش‌خرید بلیت کلیه آثار فصل دهم پاتوق فیلم کوتاه (در بسته هشت‌ماهه) می‌توانند با مراجعه به این آدرس و عضویت در باشگاه مخاطبان انجمن سینمای جوانان ایران از تخفیف و مزایای عضویت در باشگاه برخوردار شوند:

http://amoozesh.iycs.ir/fa/form/58

علاقه‌مندان برای تهیه بلیت جلسه اول پاتوق فیلم کوتاه به سایت تیوال مراجعه کنند: https://www.tiwall.com/s/patogh.shortmovie این برنامه نمایش فیلم ساعت ۱۸ روز هفتم مرداد افتتاح می‌شود.

پخش ۳ نمایش رادیویی با موضوعات متفاوت در رادیو نمایش

سه اثر نمایشی رادیویی طی هفته جاری با حضور هنرمندان شناخته‌شده عرصه نمایش‌های رادیویی در قالب موضوعات مختلف از شبکه رادیویی نمایش پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد. «اکبرآقا راننده وانت‌بار میدان مولوی» عنوان یکی از این سه نمایش رادیویی به نویسندگی و کارگردانی محمد پورحسن است که روز شنبه چهارم مرداد ساعت یک بامداد و ساعت هشت صبح روی آنتن شبکه نمایش می‌رود. در این اثر، بازیگرانی همچون مجید حمزه، فریبا متخصص، محسن بهرامی، بهادر ابراهیمی، نازنین مهیمنی، کرامت رودساز، امیرعباس توفیقی، امیر فرحان‌نیا، مهدی شریفی‌مقدم، مونا صفی، شمسی صادقی، شیما جانقربان، راضیه مومیوند، محمدسعید سلطانی، رامین پورایمان و سیما خوش‌چشم نقش‌آفرینی کرده‌اند. نمایش «در پناه خورشید» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی ملیحه جعفری‌مرادی، نویسندگی علیرضا غنچی‌فشکی و بازی محمد آقامحمدی، نورالدین جوادیان، مجید حمزه، محمدرضا قلمبر، علیرضا تابان، امیر منوچهری، محمد رضاعلی و علی میلانی، روایتی نمایشی بر پایه حکمت‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه است. این اثر تلاش می‌کند مضامین عمیق اخلاقی، انسانی و معنوی را در قالبی دراماتیک به شنوندگان منتقل کند. این نمایش رادیویی ساعت ۴:۱۵ بامداد روی آنتن می‌رود و تکرار آن ساعت ۱۳:۴۵ همان روز پخش خواهد شد. «شب عروسی کریچینسکی» هم نمایشی اقتباسی از اثری نوشته الکساندر سوخاووکابیلی است که با دراماتورژی و تنظیم رادیویی جواد پیشگر، به کارگردانی بهرام سروری‌نژاد و تهیه‌کنندگی اشرف‌السادات اشرف‌نژاد برای پخش از رادیو آماده شده است. شهریار حمزیان گوینده، نرگس موسی‌پور طراح افکت‌های صوتی و علی میلانی، نورالدین جوادیان، شمسی صادقی، ایوب آقاخانی، سیما خوش‌چشم، مهدی نمینی‌مقدم، ابوالفضل شاه‌بهرامی، امیر منوچهری، بهرام سروری‌نژاد و جواد پیشگر به‌عنوان بازیگر در این پروژه حضور دارند. «شب عروسی کریچینسکی» ساعت ۲۳:۳۰ از رادیو نمایش پخش می‌شود و تکرار آن ساعت ۵:۳۰ صبح روز بعد خواهد بود.

خبر

نمایش «منگی» نماینده ایران در راه گرجستان

نمایش «منگی» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی به‌عنوان نماینده کشور ایران در فستیوال بین‌المللی تئاتر منطقه‌ای گرجستان روی صحنه می‌رود. نمایش «منگی» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی و کاری از گروه تئاتر «آمیتیس»، پس از بیش از ۷۰ اجرا در تهران، مردادماه ۱۴۰۴ در فستیوال بین‌المللی تئاتر منطقه‌ای رگیونال گرجستان روی صحنه می‌رود. این اثر نمایشی روز ۲۸ جولای (دوشنبه ششم مرداد) ساعت ۱۵ در سالن حرفه‌ای دولتی شهر پوتی به اجرا درمی‌آید. در این دوره از جشنواره، ۱۱ گروه نمایشی از کشورهای فرانسه، رومانی، ایران، گرجستان و لیتوانی حضور دارند و نمایندگی ایران را گروه تئاتر آمیتیس بر عهده دارد. نمایش «منگی» پیش‌تر در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در بخش‌های کارگردانی، بازیگری، طراحی لباس و طراحی گریم نامزد دریافت جایزه شده بود. همچنین پوستر بین‌المللی این نمایش با طراحی حامد فرهی منتشر شده است. «منگی» اقتباسی آزاد از رمان «منگی» اثر ژوئل اگلوف، با ترجمه اصغر نوری و ادبیات نمایشی فرانسه است. فردین رحمانپور بازیگر و سحر قاسمی بازیگر فرم و سایه این پروژه هستند. طراح صدا و آهنگ‌ساز: بهزاد بختیاری، طراح صحنه: امیر پناهی‌فر، طراح لباس و آکسسوار: پریا الماسی، طراح گریم: نیلوفر مرسل‌وند، طراح نور: فرشاد نصیری، طراح گرافیک و موشن: حامد فرهی، عکاس: مریم رحمانی، مدیر تولید: صبا صادقی ساروی، سرپرست گروه کارگردانی و برنامه‌ریز: عرفان الماسی، منشی صحنه: رها کاظمی، دستیاران کارگردان: محمدباقر توکلیان، رها کاظمی و رضا ملکی‌نژاد، تصویربردار و کارگردان تیزر: معین الیاسی، دوخت لباس: استودیو فشن کارمانو آرت، دستیار لباس: فرزانه کاظمی، مجری گریم: مریم قربانی‌واحد، دکوراتور: مهدی منوری و بهنام مالکی، دستیار صحنه: وحید محققی و محمد شریفی، تبلیغات: تئاتر فارسی، مشاور رسانه‌ای و روابط‌عمومی: علی کیهانی، طراح تیزر تبلیغاتی: آیدین ایمانی دیگر عوامل این نمایش هستند. گروه نمایش «منگی» از همراهی و حمایت‌های مؤثر آلبرت بیگ‌جانی و سامان خلیلیان در فرایند هماهنگی برای حضور در این رویداد بین‌المللی صمیمانه سپاسگزار است. همچنین از تعامل اداره کل هنرهای نمایشی قدردانی می‌شود.

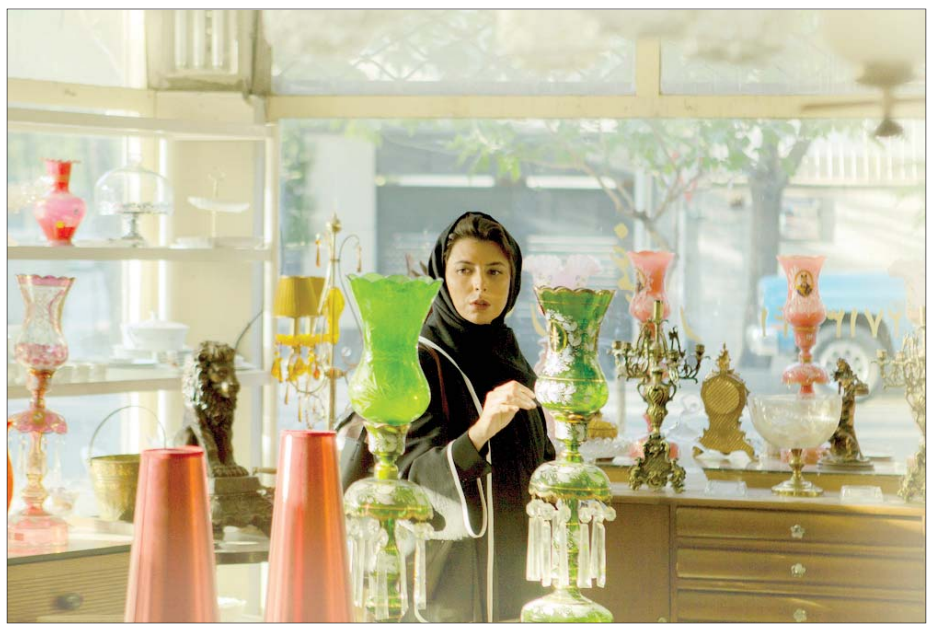

نگاهی به گیشه سینماها و سینماهایی که بیشترین مخاطب را دارند

استقبال مخاطبان از موج تازه سینمای اجتماعی

بهنازشیربانی

نمی‌توان از کنار این موضوع به راحتی گذشت که سینمای ایران مدت‌ها در غیاب فیلم‌های اجتماعی مخاطب‌پسند و سلطه کمدی‌ها، به روالی تکرار و نگران‌کننده دچار شده بود. از آغاز سال جدید و نمایش فیلم‌های اجتماعی که در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر خوش درخشیده بودند، موجی تازه در اکران‌های سینماهای ایران آغاز شد و آمار فروش این فیلم‌ها در گیشه نشان می‌دهد که بی‌تردید فیلم خوب فارغ از ژانر و دسته‌بندی‌ها، مخاطب را به سمت سالن‌های سینما جذب می‌کند. «پیرپسر» این روزها فاتح گیشه‌های سینماهاست. فیلمی با مدت‌زمانی طولانی‌تر از حد استاندارد سینماها، اما همین مدت‌زمان طولانی هم نتوانست مانع فروش خوب فیلم در گیشه شود و با وجود هم‌زمانی اکران فیلم با جنگ ۱۲روزه، « پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی با جذب بیش از ۴۷ درصد از کل مخاطبان در ماه گذشته، ۶۶ میلیارد و ۲۹۷ میلیون و ۴۲۵ هزار و ۹۹۲ تومان فروش داشت و رکورددار گیشه تیرماه شد. ترکیب حامد بهداد، حسن پورشیرازی، لیلا حاتمی و محمد ولی‌زادگان به‌عنوان ترکیب اصلی بازیگران «پیرپسر» و روایت تازه این فیلم سینمایی ازجمله نکاتی است که بسیاری را مشتاق نمایش این فیلم کرده است. فیلمی که علی‌رغم مخالفت‌های بسیار مبنی بر عدم نمایش‌اش همچنان در جذب مخاطب موفق عمل می‌کند.

«زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی نیز به‌تازگی به چرخه اکران اضافه شده است. فیلمی که پیش از اکران رسمی در ایران، در جشنواره فیلم کن نمایش داده شد. سعید روستایی که معمولا با آثار اجتماعی‌اش (ابد و یک روز، متری شیش و نیم و برادران لیلا) توجه جلب کرده، در روزهای ابتدایی اکران مورد توجه مخاطبانش قرار گرفته است. پریناز ایزدیار، پیمان معادی و حسن پورشیرازی ازجمله بازیگران این اثر سینمایی هستند.

اکران فیلم‌های «ترک عمیق»، «آنجا همان ساعت» و «زعفرانیه ۱۴ تیر» نیز به‌تازگی آغاز شده است. فیلم‌هایی اجتماعی که نمایش هم‌زمانشان رقابت بین فیلم‌های غیرکمدی را بیشتر می‌کند. «ترک عمیق» داستان مردی به نام محمود است که از بیمارستان اعصاب و روان مرخص می‌شود. فخری -همسرش- قبل از رسیدن او به در و پنجره قفل می‌زند. با آمدن محمود به خانه، با ورود نفر سوم رازهایی تاریک فاش می‌شود. آرمان زرین‌کوب این فیلم را کارگردانی کرده است و رضا بابک، بابک انصاری، حمید رشید و گلچهره سجادیه مقابل دوربین او ایفای نقش کرده‌اند. این فیلم هم نخستین بار درجشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر دیده شد و یکی از فیلم‌های مورد توجه منتقدان بود.

درام روان‌شناسانه «ترک عمیق» داستان زندگی یک زوج را تصویر می‌کند. محمود که مدتی برای درمان مشکلات روانی‌اش بستری بوده، ترخیص شده و حال به خانه بازگشته در حالی که فخری از او متنفر است و قصه بین این زوج مخاطب را با خود همراه می‌کند. «آنجا همان ساعت» به کارگردانی سیروس الوند، با نگاهی روان‌شناسانه، به مرور نشان می‌دهد که چگونه یک اتفاق ظاهرا ساده می‌تواند به بحرانی عمیق تبدیل شود. الوند در این فیلم تلاش کرده از دل یک روایت شخصی و ساده، ملودرامی اجتماعی و قابل تأمل بسازد. پرویز پرستویی و ماهور الوند دو بازیگر اصلی این فیلم سینمایی هستند. این فیلم در سال ۱۳۹۷ ساخته شده و پس از هفت سال اکران عمومی شده است.

«زعفرانیه ۱۴ تیر» نیز پس از هفت سال بلاتکلیفی و تأخیر در پخش به اکران عمومی رسید. فیلمی به کارگردانی سیدعلی هاشمی و تهیه‌کنندگی سلیمان علی‌محمد که در آن مهدی هاشمی، نازنین بیاتی، هنگامه قاضیانی، لیندا کیانی، مسعود رایگان و علی قاسمی ایفای نقش می‌کنند.

به گزارش مؤسسه سینما شهر، به نظر می‌رسد شرایط خوبی را در اکران سینماها شاهد هستیم. مجموعه‌ها و پردیس‌های سینمایی سراسر کشور در تیرماه شاهد استقبال یک میلیون و ۶۱۱ هزار و ۹۰۴ مخاطب بودند و فیلم‌های حاضر در سبد اکران در مجموع طی ۵۷,۹۹۵ سانس به نمایش درآمدند و فروشی بالغ بر ۱۲۸ میلیارد و ۲۰۲ میلیون و ۴۳۹ هزار و ۸۰۴ تومان را به ثبت رساندند. همچنین مطابق با آمار احصاشده از سینماهای سراسر کشور، «تهران»، «فارس»، «خراسان رضوی»، «البرز» و «اصفهان» بیشترین میزان مخاطب را در میان استان‌های سراسر کشور به خود اختصاص دادند.

در روز سه‌شنبه ۳۱ تیر به‌عنوان پرمخاطب‌ترین روز ماه، با درنظرگرفتن طرح فروش نیم‌بهای بلیت، بیش از ۲۰۴ هزار نفر راهی سینما شدند. جمعه ۲۷ تیر نیز گیشه سینمای ایران فروشی بالغ بر ۱۱ میلیارد و ۵۸۲ میلیون و ۸۴ هزار و ۳۳۳ تومان را تجربه کرد و این روز به‌عنوان پرفروش‌ترین روز از چهارمین ماه سال معرفی شد.

همچنین مجموعه‌ها و پردیس‌های سینمایی «کوروش»، «ایران‌مال»، «آزادی» و «هدیش» در تهران، «هنر شهر آفتاب» در شیراز، «هویزه» در مشهد، «اکومال» در البرز و «ساحل» در اصفهان نیز در میان استان‌های پرمخاطب کشور دارای بیشترین تعداد تماشاگر معرفی شدند. فیلم‌های «صددام»، «سلام‌علیکم حاج‌آقا»، «خانه ارواح» و انیمیشن «رؤیاشهر» نیز سایر فیلم‌های پرفروش در ماه گذشته بودند. به نظر می‌رسد رقابت بین فیلم‌های کمدی و اجتماعی وارد مرحله‌ای تازه‌تر شده است. تعداد فیلم‌های اجتماعی در صف اکران مانده کم نیست و البته موفقیت فیلم‌های اجتماعی در گیشه، بسیاری از معادلات را در سینمای ایران تغییر می‌دهد. بسیاری که اقبال مخاطبان از این گونه سینمایی را دور از ذهن می‌دانستند، حالا معتقدند با ساخت فیلم‌های اجتماعی خوش‌ساخت و مخاطب‌پسند، می‌توان مخاطب را به سالن‌های سینما آورد و خوش‌بین بود امسال در سینمای ایران، سال درخشش سینمای اجتماعی باشد.

کمدی‌های بی‌خطر تا تراژدی پدرکشی بر پرده سینما

روان جمعی و پدیده «پیرپسر»

دنیاچهرازی

در سال‌های اخیر، فیلم‌های پرفروش سینمای ایران معمولا یا کمدی‌های عامه‌پسند بوده‌اند یا ملودرام‌هایی که تسکین موقتی برای زخم‌های روزمره فراهم می‌کردند؛ فیلم‌هایی که قرار بود مردم را بخندانند، سرگرم کرده و برای ساعتی آنها را از فشار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دور کنند. اما حالا در موقعیتی هستیم که یکی از پربحث‌ترین و پربیننده‌ترین فیلم‌ها، «پیرپسر»، درست در نقطه مقابل این جریان ایستاده است؛ فیلمی که خشونت عریان و فروپاشی کامل بنیان خانواده را بی‌پرده به نمایش می‌گذارد.

استقبالی که از این فیلم شده، تنها پدیده‌ای سینمایی نیست، بلکه نشانه‌ای است از چرخش روانی و فرهنگی جامعه‌ای که دیگر از روایت‌های آرام و خنده‌های بی‌معنا اشباع شده و اکنون تشنه مواجهه‌ای مستقیم با میل، خشم، رنج و مرگ است. به نظر می‌رسد وقتی تماشاگر عام و منتقد حرفه‌ای، هم‌زمان مجذوب فیلمی می‌شوند، باید از تحلیل‌های سینمایی صرف عبور کرد و سراغ لایه‌های عمیق‌تر روان جمعی رفت.

از منظر روان‌شناسی جمعی، تغییر ذائقه فرهنگی مردم از کمدی‌های بی‌خطر به آثاری تروما‌زا و تاریک، فقط یک انتخاب سلیقه‌ای نیست؛ این یک نشانه است، نشانه‌ای از تحولی عمیق در ناخودآگاه جمعی.

در وضعیت‌هایی بحرانی همچون جنگ، فروپاشی اقتصادی یا اضطراب‌های هستی‌شناختی فراگیر، جامعه وارد وضعیتی می‌شود که جامعه‌شناسان از آن با واژه «آنومی» یاد می‌کنند. وضعیتی که در آن، هنجارهای مسلط کارکردشان را از دست داده‌اند و افراد در سردرگمی و بی‌افقی روانی زیست می‌کنند. در چنین شرایطی، جامعه‌ای که برای سال‌ها خشمش را در قالب طنزهای سطحی و شوخی‌های جنسی تخلیه می‌کرد، حالا پس از جنگ ۱۲روزه‌ای که مرز میان مرگ واقعی و بحران سیاسی را مخدوش کرده، دیگر نمی‌تواند به همان ابزارهای قبلی بسنده کند. در فضای آکنده از ترس، ناامیدی و بی‌قدرتی، مردم ناخودآگاه به آثاری جذب می‌شوند که به زبان بحران حرف بزنند. مردم دیگر نمی‌توانند با شوخی‌های کلامی، کمدی‌های سطحی یا حتی روایت‌های امیدوارکننده همذات‌پنداری کنند. آنها نیازمند آثاری‌اند که زبان بحران را بشناسند، از نظم اخلاقی مسلط عبور کنند و به اضطراب‌های سرکوب‌شده چهره ببخشند. همان کاری که پیرپسر به‌خوبی انجام می‌دهد و بستری برای تخلیه روانی، سوگواری نمادین و بازشناسی دردهایی که در جای دیگری مجال بروز ندارند، فراهم می‌آورد. دقیقا همان چیزی که برای تخلیه روانی جمعی به آن نیاز است.

تماشای خشونت در این فیلم، صرفا دیدن خون و کشتار و ضرب‌وشتم نیست، بلکه نوعی مشارکت عاطفی با کنشی بزرگ‌نمایی‌شده است که جامعه از آن محروم بوده است. مخاطب نه‌تنها می‌بیند، بلکه با آن هم‌درد می‌شود، گویی خود در قتل پدر شریک است، در زخم‌خوردگی زن حضور دارد و در سرگشتگی فرزندان سهیم است. این شکل از تجربه مشارکتی، چیزی است که در لحظات فروپاشی اخلاقی، بدل به نیاز جمعی می‌شود؛ تماشای تخریب نظم به‌مثابه نوعی تسکین روانی.

نکته مهم آن است که میل به خشونت در اینجا از سر توحش نیست، بلکه از سر بی‌قدرتی است. در حقیقت کنشی نمادین است برای بازپس‌گیری قدرت ازدست‌رفته و برای بیان آنچه در گفتمان رسمی عملا ممکن نبوده است.

در اینجا باید به استقبال رسانه‌ها و شخصیت‌های فرهنگی نیز به‌طور ویژه توجه کرد. چهره‌هایی که سال‌ها از فرم، ساختار و معنا سخن گفته‌اند و سعی داشتند در تمام آثار هنری ارزش‌های والای انسانی، امیدبخشی و توجه به بنیان‌های اصیل خانواده ایرانی را ملاک ارزیابی قرار دهند، وقتی ناگهان به فیلمی همچون پیرپسر واکنش مثبت نشان می‌دهند، باید از خود پرسید آیا ماجرا فقط در جسارت یا تازگی روایت است یا آن‌گونه که پی‌یر بوردیو می‌گوید، این کنش فرهنگی بخشی از بازی بازتعریف جایگاه در میدان قدرت نمادین است؟

اکنون که فیلم پس از ماه‌ها توقیف به اکران عمومی رسیده و برخی چهره‌های تندرو در مجلس خواستار پایین‌کشیدن آن شده‌اند، هرگونه انتقادی به فیلم ممکن است به معنای قرارگرفتن در جبهه همان تندروها تلقی شود. در چنین شرایط قطبی‌شده‌ای، این حمایت رسانه‌ای به نوعی به همبستگی نمادین بدل شده است. برای همین صنوف سینمایی یکی پس از دیگری بیانیه می‌دهند و از فیلم حمایت می‌کنند. حمایتی نه صرفا از سر ارزیابی هنری، بلکه به امید آنکه حمایت از پیرپسر بتواند به پشتوانه‌ای برای حل مسائل دیگر در سینمای بحران‌زده ایران بدل شود. در نتیجه، میدان فرهنگی در حال حاضر بیشتر از آنکه عرصه گفت‌وگو و داوری آزادانه درباره این فیلم باشد، میدان تمایز، اجبار به موضع‌گیری و کنش‌های استراتژیک برای بازتعریف قدرت فرهنگی است.

وجه دیگری که پیرپسر را بدل به رویداد بصری و فرهنگی متفاوت می‌کند، آوردگاه تنش میل و قدرت درون خانواده‌ای مردسالار است. پدر، مردی سالخورده و هوس‌باز است و هر روز به دنبال زنان خیابانی است تا نیاز جنسی‌اش را برطرف کند، بی‌آنکه اخلاق، عرف یا قضاوت اجتماعی مانعش شود. این در حالی است که پسرانش جوان و پرمیل اما با بدن‌هایشان سرکوب شده و امیال بی‌پاسخ مانده و با چشمانی پر از حسرت، به طعمه‌های جنسی روزانه پدر خیره‌اند.

در نتیجه نزاع نهایی فیلم، نه‌فقط بر سر یک زن، بلکه بر سر حق تملک بدن و حق ابراز میل است؛ نزاعی که هم خانوادگی است، هم طبقاتی و هم جنسی.

از نگاه لورا مالوی، نظریه‌پرداز سینمایی، سینمای کلاسیک بدن زن را به ابژه‌ای جنسی بدل می‌کند که میل مردانه از طریق نگاه دوربین آن را تملک می‌کند. اما در پیرپسر، بدن زن گرچه همچنان ابژه میل است ولی بدل به نقطه انفجار نیز می‌شود؛ همان جایی که در نهایت ساختار پدرسالارانه را فرومی‌پاشد.

در نهایت موفقیت پیرپسر را نمی‌توان با استانداردهای معمول سینمایی سنجید. این فیلم، بیش از آنکه به خاطر کیفیتش دیده شود، به خاطر لحظه‌ای که در آن ظهور کرده مهم است.

این فیلم به‌رغم همه کاستی‌هایش، آینه‌ای است که جامعه در آن خود را نه آن‌گونه که دوست دارد باشد، بلکه آن‌گونه که هست، دیده است و گاه هیچ لذتی بزرگ‌تر از این نیست؛ تماشای حقیقت، هرچند زشت، خونین و بی‌رحم.

یادداشت

برسد به دست سیاست‌گذار(۳)

ادامه از صفحه اول

نمونه‌واره (prototype) این دست از قوانین، قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات است که در سال ۱۳۸۵ ابلاغ شده است. مثلا در ماده ۹ این سند، وزارت بهداشت موظف به آموزش‌های پیشگیرانه دراین‌خصوص شده است. آیا تاکنون خودتان یا نزدیکانتان، آموزش پیشگیرانه‌ای را دراین‌خصوص دریافت کرده‌اید؟ به احتمال زیاد، جواب سؤال شما منفی خواهد بود، چراکه به این منظور یا آموزش‌هایی طراحی نشده است یا حتی اگر طراحی شده باشد، از ضریب نفوذ بسیار پایینی برخوردار است. در ماده ۱۲ این قانون نیز به موضوع بسیار مهم ممنوعیت فروش مواد دخانی به افراد زیر ۱۸ سال پرداخته شده است. با توجه به مشهودبودن مصرف سیگار توسط نوجوانان در مجامع عمومی، مشخص نیست که این نوجوانان، سیگار خود را با وجود ممنوعیت فروش به آنان از چه طریقی تهیه می‌کنند. در تبصره یک ماده ۱۳ به جریمه مصرف سیگار در اماکن عمومی پرداخته شده است. در حال حاضر کم نیستند مکان‌های سربسته‌ای که فروشندگان از مغازه خود بیرون آمده و به‌راحتی در آن فضای عمومی سیگار خود را دود کرده و بدون هیچ واهمه‌ای آن را به حلق دیگران روانه می‌کنند. آیا کسی تاکنون مأموری را دیده است که در حال نوشتن برگ جریمه برای فردی متخلف بوده باشد که مشغول کشیدن سیگار در یک فضای عمومی است؟ مهم‌ترین ماده مصوبه یادشده شاید ماده یک باشد که به ستاد کشوری کنترل و مبارزه با دخانیات و اعضای مهم آن پرداخته است. وزرای این ستاد در صورت داشتن برنامه، می‌توانند بخش وسیعی از جامعه را تحت پوشش خود قرار دهند. جالب اینجاست که با گذشت دو دهه از مصوب‌شدن این دستورالعمل، به‌تازگی دبیر ستاد این تشکیلات، اعلام کرده که ضرورت دارد این دستورالعمل بازنگری شود! یکی دیگر از این موارد، برنامه ملی راهبردی پیشگیری از مرگ جوانان ۱۸ تا ۲۹ساله است که در سال ۱۳۹۹ ابلاغ شده است. اگر این سند را مطالعه کنید متوجه می‌شوید که با چه دقت کارشناسی به امر پیشگیری از مرگ جوانان پرداخته شده است؛ ولی متأسفانه بسیاری از اقدامات اجرائی این سند هنوز به مرحله عمل نرسیده‌اند. سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد که در سال ۱۳۹۰ به مرحله بهره‌برداری و اجرا رسید نیز سند مهمی است که اگر مفاد آن به اجرا درمی‌آمد، حتما وضعیت فعلی اعتیاد در جامعه فرق داشت. در پایان این قسمت می‌توان به گفتن این جمله بسنده کرد که سیاست‌گذاری، وضع قوانین و طراحی اسناد و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های باکیفیت پیشگیرانه یک مسئله است و اجرای صحیح، دقیق و طولانی‌مدت آن مسئله‌ای دیگر که سلامت اجتماعی عمدتا از نقض مورد دوم است که آسیب دیده است. روشن است که بخشی از سبک زندگی پیشگیرانه یا فرهنگ پیشگیری وقتی به وجود می‌آید که اجرای آنها فراگیر شود. اجباری‌شدن بستن کمربند ایمنی و جریمه، نقش مهمی در تبدیل این مهم به فرهنگ رانندگی داشته است؛ کمااینکه این مسئله درباره کمربند ایمنی صندلی عقب تداوم نیافته و هرساله بخشی از هم‌وطنان به این علت فوت کرده یا دچار مصدومیت‌های جدی و بعضا همیشگی می‌شوند. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت مهم‌تری مسئله حال حاضر در حوزه پیشگیری، ضرورت اجرای تام و تمام «مر قانون» است؛ اینکه امکان دورزدن قوانین و مصوبات پیشگیرانه برای هیچ‌کس امکان‌پذیر نبوده و ضابط قضائی در برابر هرکسی که قانون را نقض کند، رفتار کرده و فرد خاطی با پیامدهای قطعی رفتار خود مواجه شود. مثلا وقتی قانونی به نام خط ویژه وضع می‌شود تا موجب تسهیل تردد مردم شده و در نتیجه از بار اقتصادی و روان‌شناختی ناشی از ترافیک سنگین بکاهد، قاعدتا هیچ‌کس و حتی یک نماینده مجلس هم نمی‌تواند خود را محق بداند که آن قانون را نقض و از آن اسفناک‌تر با مأموری که مسئول اجرای قانون است، برخورد فیزیکی کند؛ مادامی‌که این جمله در فرهنگ کشوری رواج داشته باشد که «قانون ساخته می‌شود تا نقض شود»، نمی‌توان انتظار داشت که قوانین و مصوبات پیشگیرانه اثرگذار باشند. به سامانم نمی‌پرسی نمی‌دانم چه سر داری/ به درمانم نمی‌کوشی نمی‌دانم مگر دردم

(ادامه دارد)...